

# قلبا اراده

## چرا شکسپیر

### همچنان

## یک متاعر مطرح است؟

آدام گوینک  
مترجم: میترا کیوان مهر

را به خوبی می‌شناسد با مهارتی بسیار بین آن‌چه که به آن اشعار فصیح می‌گویند و آن‌چه زندگی به هم ریخته حاکی از آن است ارتباط برقرار می‌سازد. او یک منتقد پست مدرن است.

گرین بلت با تصویر بدون خدشهای از زندگی شکسپیر در استراتفورد در سال ۱۵۶۴ آغاز می‌کند آن هنگام که شاعر متولد شد از فرهنگ گران بهای عصر الیزابت سخن می‌گوید و جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که نظام آن تقریباً شبیه نظام اتحاد شوروی و یا شاید آمریکای جنوبی است. ظلم و جور و تغییرات کُشنده آن دوران را مطرح می‌کند.

بحران اصلی آن دوران مذهب بود. به مدت نیم قرن در زمان حیات پدر شکسپیر یعنی جان، نظام محافظه کار کاتولیسم حاکمیت داشت. هنری هشتم در راس حکومت بود در طول دوره‌ای از اعتراضات مردم تحت فرمان شاه اوارد ششم، کاتولیک رومی با حاکمیت ملکه مری زوی کار آمد و سپس سلطنت الیزابت آغاز شد. هر بار که گروهی جدید قدرت می‌گرفتند حامیان گروه مخالف را تحت پیگرد و آزار قرار می‌دادند. در آن هنگام شکسپیر یک مرد جوان

چرا به خواندن بیوگرافی‌های انتقادی در مورد شکسپیر می‌پردازیم؟ دلیلش آن است که بهترین منتقدانش نیز توصیفی زبردستانه از او ارائه نکردمانند بن جانسون توصیه می‌کند که: «خوانندگان، نگاهش کنید البته نه به تصویرش بلکه به آثارش.» او اصرار می‌ورزد که به زندگی او کاری نداشته باشید و این جریان تا امروز ادامه دارد. او دن موند می‌گوید هنرمندان باید گمنام بمانند و شکسپیر یکی از آن‌هاست ما باید از آثارش محظوظ شویم. اما خود او دن نیز مطالبی در مورد زندگی عاطفی شکسپیر ارائه کرده است. شکسپیر نمی‌توانست به زبان لاتین یا یونانی بنویسد او یک فرد معاشرتی بود و برای کارهایش به یک ویراستار احتیاج داشت. زندگی بسیار ساده و آثارش خیال پرور بودند و مجموعه آثارش کتابی پدید می‌آورد که بیشتر جنبه اجرایی داشت. یکی از استادان دانشگاه هاروارد به نام استفن گرین بلت در این زمینه مطالعاتی صورت داده است. نام اثری که در این زمینه نوشته «اراده در جهان» نام دارد. کتاب او بی نظیر است هم پیچیده و زبردستانه است و هم اشتیاق برانگیز، گرین بلت زندگی و عصر شکسپیر

William

Shakespeare

بود در آن دوران کشیش کاتولیک بودن یک حرفه اهلانته‌آمیز بود.

ترس و خشونت پدید آمده از جنگ پایان‌ناپذیر مذهبی باعث غنی شدن فرهنگ ملی گشت و آثاری چون نمایش رالین هود، نمایشنامه‌های اخلاقی در حیاط دربار اجرا می‌شد در تمام آثار شکسپیر آثار مردمی نمایان است این ویژگی در ساختار بنیادین و شبکه و تلویحات خودنمایی می‌کند. در این بخش از کتاب گرین بلت اطمینان می‌دهد کوچکترین شکی وجود ندارد که شکسپیر که پدر و مادرش هر دو به شکلی مخفیانه کاتولیک بودند، از مبارزان مذهب پیشین بود.

یک سند قدیمی نشان می‌دهد شکسپیر در حالی مُرد که یک کاتولیک رومی بود. مادرش مری آرون از یک خانواده کاتولیک بود. پدرش دستکش می‌ساخت و یک صنعت‌گر بود اما به ساخت وسایل تزئینی می‌پرداخت او شهروند قدیمی استراتفورد بود. و به جنبش پروتستان کمک کرد و در از بین بردن تمثال‌ها و نقاشی‌های کلیسای محلی یاری نمود. اما در عین حال طرفدار به کارگیری مدیرانی برای مدرسه بود که کاتولیک باشند. او در خفا یک کاتولیک بود. لوح عهد ایمن که در خانه‌اش و در قرن هجده یافت شد هنوز باقی است اما شاهدهی در دست نیست که خود شکسپیر در سال‌های سکونت در لندن یک کاتولیک و اهل کلیسا بوده باشد. احتمالاً به یک کلیسای پروتستان می‌رفته است. کاتولیک‌گرایی برای او به معنای عشق به تشریفات و مراسم تئاتری بود. علاقه‌ای وافر به مجموعه آیینی داشت که ختشیکی رفتار پروتستان‌ها مانع آن می‌شد. گرین بلت می‌گوید هنگامی که شکسپیر یازده ساله بود گروهی از هنرمندان محلی دقیقاً شبیه هنرمندان بازیگر در «رویای نیمه شب تابستان» قصد داشتند نمایشی در حضور ملکه به هنگام بازدید از قلعه گنیل ورث اجرا کنند این منطقه در نوزده مایلی استراتفورد قرار دارد. در آن زمان اجرای نمایش ممنوع بود و آن‌ها می‌خواستند به این وسیله شکایت خود را به ملکه ابراز کنند. بخشی از تخیلات او که مربوط به قرون وسطا می‌شد در افسانه‌های تخیلی او و در قالب کمدی به نمایش در می‌آیند. رویای نیمه شب تابستان به گفته گرین بلت نقشه راهنمای دوران کودکی شکسپیر است این اثر عمیقاً ویژه‌گی یک بیوگرافی شخصی برای شکسپیر را در بردارد. و شامل سه منبع اطلاعاتی می‌شود که تخیل او را برانگیخته‌اند: داستان‌های افسانه‌ای در دوران بت پرستی و شرک، زندگی روستایی پدرش و صنعت گران، خیاطان و دستکش سازان. و سوم دنیای عاشقان جوان که در نهایت به ازدواجی ناموفق

می‌انجامد همه‌گی آن‌ها از دیدگاه زندگی اشرافی نگرسته می‌شوند که در لندن با آن آشنا شد. آن‌چه در برابر این سه منبع الهام‌بخش برای او قرار داشت حس جاه‌طلبی او بود که او را وامی‌داشت سالانه دو نمایش بنویسد و این جریان تا بیست سال ادامه یافت به این ترتیب به صورت ثروتمندترین نویسنده

## رویای نیمه شب تابستان به گفته گرین بلت نقشه راهنمای دوران کودکی شکسپیر است این اثر عمیقاً ویژه‌گی یک بیوگرافی شخصی برای شکسپیر را در بردارد. و شامل سه منبع اطلاعاتی می‌شود که تخیل او را برانگیخته‌اند: داستان‌های افسانه‌ای در دوران بت پرستی و شرک، زندگی روستایی پدرش و صنعت گران، خیاطان و دستکش سازان. و سوم دنیای عاشقان جوان

طبقه کارگر در انگلستان در آمد. گرچه پس از این‌که شکسپیر به ثروت دست یافت پدرش هنوز ورشکسته بود و هرگز نتوانست بار دیگر موقعیت پیشین خود را در جامعه به دست آورد. این ورشکستگی به هر دلیل که بود برای ویلیام خردکننده بود و این یاس و ناامیدی چیزی بود که هرگز از خاطر ویلیام جوان خارج نشد. دی اچ لارنس می‌گوید کودکان از زندگی خصوصی پدر و مادر چیز زیاد نمی‌دانند اما دقیق می‌دانند آن‌ها چه قدر پول دارند چون این به حس امنیت آن‌ها مربوط می‌شود. درست مثل چارلز دیکنس که دقیقاً با این وضع و بربرو شد. به همین سبب بود که ویلیام بر آن شد کاری کند تا خانواده خود را از آن وضع برهاند. او در مدرسه استراتفورد زبان لاتین و انبیات کلاسیک را به طور کامل آموخت چون پس از به پایان رساندن تحصیلات می‌توانست معلم سرخانه شود.

ویلیام افکار دوگانه‌ای داشت از یک طرف مجنوب آیین کاتولیک بود و از طرف دیگر از تعصبات خشک

مذهبی دوری می‌کرد. چنان‌که دیگر نویسندگان بزرگ معاصر او خود را درگیر بحث‌های متداول روز کردند از جمله بن جانسون که کاتولیک شد و به زندان افتاد و کریستوفر مارلو جان خود را بر سر عقایدش از دست داد، ولی ویلیام هرگز به دنبال افراط در عقاید نبود. تمام قهرمانان او آن‌چه که زیاد داشتند شجاعت بود و آن‌چه فاقدش بودن قدرت قضاوت. شکسپیر بین صنعت‌گری و شجاعت، اولی را ترجیح می‌داد و بین شجاعت احمقانه و ترس خردمندان همواره طرفدار کسانی است که می‌گریزند او اعتقاد را بدون واقع‌گرایی نمی‌پذیرد. شهرت شکسپیر بیشتر مربوط به کمدی‌هایش می‌شود از جمله «کمدی اشتباهات» و «رام کردن زن وحشی». شکسپیر به عنوان یک نمایشنامه‌نویس فوق‌العاده یک شاعر معمولی است ولی شهرت فراوانی که کسب کرد برایش دشمنانی در پی داشت. احتمالاً در سال ۱۵۹۶ بود که شکسپیر پس از نوشتن رومئو و ژولیت و ریچارد دوم شروع به نوشتن تراژدی‌های خود کرد که با ارزش‌ترین آثار او هستند. او پس از مرگ تنها پسرش شروع به نوشتن نمایشنامه‌هایی کرد که حاوی موضوع انتقام بودند یکی از آن‌ها که مشهور نیز هست نمایشنامه «هملت» است. آن‌چه این اثر را از بقیه آثار او متفاوت می‌سازد. این است که کاملاً به زندگی درونی بازیگر خود می‌پردازد. او از این تکنیک در تراژدی‌های بعدی خود استفاده کرد که آثاری از بلوغ در آن‌ها نمایان است. از جمله اتللو و شاه لیر و ... نقش‌هایی که هر یک از این شخصیت‌ها ایفا می‌کنند هم بیانگر کمدی سیاه است مثل شاه لیر که مورد تمسخر دلنق خود قرار می‌گیرد در حالی که اودیپوس هرگز چنین وضعیتی نداشت و هم احساس ترحم را بر می‌انگیزد چنان‌که برای شاه لیر احساس تاسف داریم ولی برای اودیپوس هرگز چنین احساسی در خود نمی‌یابیم. گرین بلت در پایان کتاب خود می‌نویسد که شکسپیر یک انسان معمولی بود. با یک زندگی معمولی که به اراده خود او شکل گرفت او هرگز طرفدار خصلت و حشیشانه شوالیه‌ها نبود. او جهان را همچنان‌که بود می‌دید همین حالت معمولی از او یک شخصیت بی‌نظیر ساخته است. او شاعری بود که اشعارش در میان مردم مقبول بود. با این وجود، ویژه‌گی معمولی بودن در او ابتدا به معنای دوری از فرهنگ نبود و نمی‌توان آثار او را ساده انگاشت. زبان حاکم بر شعر و نمایشنامه‌هایش همیشه در خاطرهای ماند و این واقعیتی است که او را همواره در آذهای خوانندگانش مطرح می‌سازد. شاعر و نمایشنامه‌نویسی که تمام زندگی و حتی مذهبش در تئاتر خلاصه می‌شد.